

بررسی ساختار ارکانی، ابزاری و درمانی طب سنتی و طب اسلامی

سولمازجانفزا*، الناز جانفزا**

*PhD. student in Biology – Medicinal plants. National Academy of Sciences Azerbaijan Mardakan Dendrary. Baku. Azerbaijan, AZ044, Baku, street. Yesenin - 89, Mardakan arboretum ,

Tel:09144467340(aristocrat1388@yahoo.com)

**BA. Degree in Animal husbandry & MS. student in English Translation (sarah19861365.child@yahoo.com)

آذربایجان غربی ارومیه خیابان فرخی یک کوچه ۶ پلاک ۲۷ کدپستی ۵۷۱۶۱۱۷۷۶۹ تلفن: ۰۹۱۴۱۴۷۰۹۵۹

چکیده

از دیدگاه طب سنتی خداوند در بدن آدمی نیرویی قرار داده است تا صحت و سلامتی را حفظ و بیماری را دفع نماید. این نیرو که در اصل نیروی تدبیرکننده بدن است را امور طبیعی می‌نامیدند. به عبارتی دیگر، امور طبیعی اموری است که تعادل بدن را از هر جهت حفظ نماید.

طب سنتی، رابطه مستقیمی با نحوه تغذیه سنتی داشته و با استفاده از تجربه حاصل از دوران های طولانی و با وجود امکانات کشاورزی این آب و خاک و شرایط اقلیمی آن، برنامه ای از نحوه تغذیه به وجود آورده است که با دستورات اسلام در رابطه با غذا، آمیخته شده است. لذا در امر نظافت و پاره ای از آداب زندگی که اثر مستقیم بهداشتی و پزشکی دارد مانوس است.

طب اسلامی، نظام طبّی است که آموزه‌های اسلامی ما را به آن رهنمون می‌شود. در این نگاه، آیات و روایات مرتبط با پزشکی، چارچوب و استخوان بندی این نظام را می‌سازد. بعلاوه از مجموعه دستاوردهای گذشته بشر (طب سنتی و یافته‌های دیگر حکمای) و نیز از آخرین دستاوردهای امروز و فردای دانش پیشرو استفاده می‌شود. البته این بهره‌گیری با به گزینی و هماهنگ سازی با ساختار اندیشه تدوین نظام طبّ اسلامی همراه است و هر چه نتواند در این ساختار اندیشه که بر اساس امر و نهی الهی شکل گرفته پذیرفته شود، حذف می‌شود. روشهای تشخیص بیماریها در طب اسلامی بسیار ساده و کم هزینه و اغلب بدون هزینه و بدون اتلاف وقت می باشد.

طب سنتی و اسلامی، بر خلاف سایر علوم که بعضاً نوین هم هستند، سابقه‌ای دیرینه دارد. در قدیم از طب به معنای تدبیر عافیت یاد می‌شد که به پیشگیری و درمان تقسیم می‌گردید.

خلاصه اینکه در طب قدیم برای کل بدن، شأن مستقلی قائلند و اختلال اجزاء را ناشی از بر هم خوردن تعادل آن حقیقت کلی می دانند. و سلامت انسان را نیز معلول تسلط در حال سلامت آن حیثیت واحد مستقل بر بدن می دانند، و نظم حاکم بر اعضاء گوناگون بدن را، از لحاظ انجام وظیفه ای که بر عهده ی هر یک است، نیز معلول همین امر، و کم و کیف رشد اندامها را نیز تابع همین نفس مستقل واحد می شمارند.

واژگان کلیدی: طب سنتی، طب اسلامی، ارکان، اشتراکات، امتیازات

مقدمه

حکما طب را اینگونه تعریف کرده اند که "طب صنعتی است که بدنهای مردم عنایت دارد و به آن سلامتی و صحت می بخشد" آنگاه توسط این صنعت یا فن بیماریهای مردم را تشخیص می داده اند و بر اساس مبانی به مقوله درمان می پردازد.

علم طب به دو دسته تقسیم می شود:

۱. طب نظری

طب نظری طبی است که چگونگی عملکرد و تغییرات بدن انسان و عوامل مؤثر بر آن را که منجر به سلامتی یا بیماری می شوند بررسی و نهایتاً پزشک را به تشخیص راهنمایی می کند.
طب نظری خود بر ۳ وجه است:

الف. امور طبیعی: عبارت است از بررسی اموری که هستی، قوام و حفظ کمالات جسمی و بدن انسان بر آنها مبتنی است (فیزیولوژی).

ب. اسباب و علل: علت ایجاد تغییرات در بدن انسان، علت بروز بیماری و همچنین چگونگی حفظ سلامتی را بیان می کند (اتیولوژی).

ج. دلایل و علایم: که به بررسی علایم و نشانه های مراجعه کننده می پردازد و پزشک را در مورد سلامت یا بیماری و علت بروز بیماری راهنمایی می کند: مانند نشانه های مزاجی و غلبه ی اخلاط، نبض شناسی و ادرار شناسی (سمیولوژی)

۲. طب عملی

طب عملی شامل روشها یی است که برای حفظ سلامتی (علم حفظ الصحه) یا بازگرداندن سلامتی (علم معالجات) به کار می روند. علم معالجات خود شامل ۳ بخش است: یکی تدبیر با غذا (غذادرمانی)، دیگری تدبیر با دارو (دارودرمانی) و آخری اعمال یدوای مانند جراحی، ماساژ، حجامت و فصد.

همانگونه که گفتیم وقتی مرضی حاصل می شد یعنی اختلال در افعالی رخ می داد طبیب با تجربه ای که داشت پی به نوع اختلال در قوی و از آنجا به اختلال در ارواح و از آنجا به اختلال در اندام و از آنجا به اختلال در اخلاط و از آنجا به اختلال در امزجه و از آنجا به اختلال در ارکان بیمار پی می برد. سپس با تغییر دادن ارکان بیمار توسط غذاها، داروها یا تدابیر عملی (مثل حجامت و فصد و...) باعث درمان بیماری می شده است. این روند به کمک توجه به دلایل و علائم بیماری و اسباب و علل بیماری امکانپذیر است.

ارکان (آخشیگها): حکما معتقد بوده اند که تمام اشیاء در عالم از چهار عنصر تشکیل شده اند: آب - آتش - باد و خاک. از سوی دیگر، کیفیت اجسام را به چهار دسته: ۱- سردی ۲- گرمی ۳- تری ۴- خشکی تقسیم بندی می کرده اند. آنگاه چهار عنصر فوق علاوه بر نمادهای ذکر شده از نظر کیفیات چهار گانه به شکل زیر بوده اند:
آب دارای خاصیت سردی و تری، آتش دارای خاصیت گرمی و خشکی، باد دارای خاصیت گرمی و تری و خاک دارای خاصیت سردی و خشکی. به این آب و آتش باد و خاک اصطلاحاً عناصر یا ارکان می گفته اند. (ارکان اربعه).

امزجه (مزاج ها): مزاج به معنی به هم آمیختن است و در اصطلاح به کیفیت حاصله از ترکیب و به هم آمیختن ارکان اربعه گویند. ۹ نوع مزاج داریم: ۱- مزاج معتدل ۲- مزاج سرد ۳- مزاج گرم ۴- مزاج تر ۵- مزاج خشک ۶- مزاج گرم و تر ۷- مزاج گرم و خشک ۸- مزاج سرد و تر ۹- مزاج سرد و خشک

اخلاط: اخلاط جمع خلط است و خلط جسم سیال و تری است که غذا پس از هضم به آن تبدیل می شود. وقتی غذا خورده می شود اول توسط معده به کیموس معدی تبدیل می شود که به این عمل طبخ معدی یا طبخ اول گویند سپس از طریق مجاری ناپیدای روده توسط عروق ماساریقا به کبد رفته در آنجا پخته (در اصطلاح امروزی متابولیزه) می شود که به آن طبخ دوم گویند آنگاه رگی که از کبد خارج می شود حاوی مایعی است که اگر در لوله ای شیشه ای ریخته شود و مدتی بماند این مایع به چند طبقه تقسیم می شود که به آنها اخلاط گویند. در ته لوله مقداری ماده سیاه و سنگین که مقدارش خیلی کم است خواهیم داشت که خلط سوداوی نامیده می شود. روی سودا سه خلط دیگر بلغم، دم (خون) و صفرا قرار می گیرد. سودا دارای کیفیت سرد و خشک است. بلغم، سرد و تر و دم گرم و تر و صفرا گرم و خشک. به این خون، بلغم، صفرا و سودا اخلاط چهارگانه گویند.

اندام: منظور همان اعضاء مختلف بدن مانند قلب، کلیه، ریه، استخوان و... است.

ارواح: جمع روح است ولی منظور از این روح آن روح غیرمادی مشهور نیست بلکه طبق تعریف این روح ماده است و جسم لطیفی است که از لطافت بخارهای اخلاط حاصل میشود و سر منشاء نیرو در بدن است.

قوی: ارواح ایجاد یک نیروهایی در بدن می کنند که به آنها قوی گویند.

ضروریات شش گانه

حکما معتقد بوده اند که برای این که انسان بتواند به زندگی خود بطور طبیعی ادامه دهد نیاز به ۶ چیز ضروری دارد:
۱- هوا: از نظر لطافت، غلظت، حرارت، سرما، اختلاط با اجزاء زمین، اختلاط با دودها یا عاری از آنها بودن، تأثیرات متفاوت در بدن دارد.

۲- مأكولات و مشروبات: هیچ انسانی بدون خوردن و آشامیدن نمی تواند زنده بماند. خود این که انسان چه بخورد و بیاشامد بسیار مهم است و نیاز به دانش تغذیه دارد.

۳- احتباس و استفراغ: احتباس یعنی نگه داشتن بعضی از اجزاء ضروری در بدن مثلاً نگه داشتن آب به اندازه لازم در بدن و استفراغ یعنی فارغ شدن از اجزاء غیر ضروری و اضافی بعنوان مثال استفراغ مواد سمی خون توسط کلیه ها که ادرار نام دارد.

۴- ریاضت و استراحت: ریاضت منظور تحرک است و استراحت همان استراحت یا سکون است.

۵- اعراض نفسانی: منظور همین حالات شادی، غم، عصبانیت و... است که در انسانها رخ می دهد.

۶- نوم و یقظه: منظور خواب و بیداری است. خواب باعث می شود قوام عضلانی تقویت شود و حیات برای انسان قابل تحمل شود.

تاریخچه و منشأ طب سنتی و طب اسلامی در ایران

می گویند: پزشکی ایرانی از دوره ای شروع می شود که آریایی ها، در زادگاه اولیه خود به نام "آریاویر" در حوالی خوارزم و پامیر - جایی که ده ماه از سال، هوا سرد و تنها دوماه گرم بوده است - زندگی می کردند. تاریخ این پزشکی را، حدود هفت هزار سال قبل از میلاد مسیح برآورد کرده اند. نخستین پزشک آریایی تریتا (اترت) نامیده شده است. در اوستا آمده است: "زرتشت از اهورا مزدا پرسید:

کیست در میان پرهیزگاران، دانایان، کامکاران، توانگران، رایومندان، تهمتنان، پیشدادیان، نخستین کسی که ناخوشی را بازداشت، مرگ را بازداشت، زخم نیزه پران را بازداشت، گرمای تب را از تن مردم بازداشت؟ اهورامزدا در پاسخ فرمود: "تریتا" در میان پرهیزگاران نخستین کسی است که ناخوشی را بازداشت، مرگ را بازداشت، زخم نیزه را بازداشت، گرمای تب را از تن مردم بازداشت."

طب سنتی ما افزون بر تأثیرپذیری از آموزه های طبّی اسلامی، گنجینه ای گرد آمده از میراث پزشکی قدیم ایران (طبّ اقوام آریایی، طبّ دوران های مختلف هخامنشی، اشکانی، ساسانی و به خصوص مکتب پزشکی جندی شاپور)، طبّ یونانی، مکاتب طبّی سریانی و اقوام دیگر (هندی، عربی، اندکی چینی و ملل همسایه و مرتبط با ایران) است که در دوره تمدن اسلامی با ظهور شخصیت های بزرگی همچون علی بن ربن طبری، رازی، علی بن عباس اهوازی، ابن سینا، جرجانی، ابوالحسین طبری، ابن نفیس، ابن بیطار، زهراوی و صدها دانشمند معروف و غیر معروف دیگر رشد و تکامل و شکوفایی بی نظیری یافته است و با پشتوانه ای چنین، در دنیای امروز یارای سر بر افراشتن و داعیه پاسخگویی به

بخش مهمی از نیازهای پزشکی امروز بشر را دارد و می‌تواند تجربه و نگرش جامع و کل‌نگر خود را برای اصلاح اندیشه جزءنگر دانش پزشکی روز در اختیار اندیشمندان منصف قرار دهد. (۱)

انواع بیماری در طب سنتی

بیماریها در طب سنتی به دودسته اصل بیماریهای ساده و بیماریهای مرکب تقسیم بندی می شده اند. بیماریهای ساده خود به سه دسته طبقه بندی شده و عبارتند از:

الف. بیماریهای ساده

۱- سوء مزاج: یعنی این که مزاج طبیعی شخص از حالت اعتدال خود خارج شود و این عدم اعتدال مزاجی موجب بیماری شخص گردد. بنابراین باید ابتدا مزاج طبیعی شخص را تشخیص دهیم. بطور کلی در هر سنی یک مزاج غالب تر است: در سن رشد (یعنی تا ۳۰ سالگی) بیشتر حرارت و رطوبت غالب است یعنی مزاج دموی (خونی) در سن ۳۰ تا ۶۰ سالگی حرارت روبه کاهش می گذارد و سردی و خشکی یعنی مزاج سوداوی غالب می شود. در بالای ۶۰ سالگی فرد متغیر المزاج می شود و نوع مزاج او تابع خوراکش می شود.

و بطور کلی ۸ نوع مزاج داریم: سرد، گرم، تر، خشک، سرد و تر (بلغمی)، سرد و خشک (سوداوی)، گرم و تر (دموی)، گرم و خشک (صفراوی)

۲- سوء ترکیب: در سوء ترکیب ساختار عضوی از بدن غیر طبیعی است که خود به سه دسته تقسیم می شود. الف) شکل ظاهر ایراد دارد (مثلاً شخصی که یک با پای خمیده متولد می شود که اصطلاحاً پاچنبری گفته می شود). ب) اندازه عضو ایراد دارد (مثلاً شخصی که یک پایش از پای دیگر بطور مادرزادی بلندتر است) ج) تعداد عضو غیر طبیعی است (مثلاً کسی که بطور مادرزادی در هر دست ۶ انگشت دارد و یا کسی که با یک دست متولد می شود).

۳- تفرق و اتصال: در تفرق و اتصال پیوستگی بافتی در اعضاء مثلاً بعلت جراحت از بین رفته (زخمها و جراحات ها) و یا پیوستگی بافتی در اعضاء بطور ناموزن ایجاد شده است (مثلاً استخوانی که پس از شکستن بدجوش خورده باشد).

ب. بیماریهای مرکب

بیماریهای مرکب از ترکیب دو یا بیشتر از بیماریهای ساده رخ می دهد. بهترین مثال آن یک آبسه است که هم بعلت سوء مزاج رخ می دهد با تورم اش سوء ترکیب در عضو ایجاد می کند و هم اتصال طبیعی بافت را بهم زده است.

تفاوتها و تشابهات ارکانی و ابزاری درمان در طب سنتی و طب اسلامی

ابزار و ارکان درمان در طب سنتی	ابزار و ارکان درمان در طب اسلامی
پس از آنکه نوع بیماری تعیین شد که آیا سوء ترکیب، تفرق و اتصال و یا سوء مزاج است در مورد سوء ترکیب و تفرق و اتصال روشهای درمانی پیشرفته و گاه جراحیهایی لازم است که بیان آنها در این نوشتار نمی گنجد. در مورد سوء مزاج، به روشهای گفته شده و همچنین با توجه به رژیم غذایی مریض نوع سوء مزاج بیمار را تعیین می کنیم و با بکارگیری غذاها و در	ارکان بهداشت و درمان در طب اسلامی بر پنج تطهیر اعم از جسمی، معدی، خونی، جنسی، و روانی استوار است که با اجرای کامل آن درمان تن و روان کامل می شود. اینگونه جمع بندی برآیند یک استنباط نظری از تمامی دستورات دینی از مجموعه منابع مذهبی اعم از اخلاق و فقه و طب و اقتصاد است، و به صورت عناوین فشرده بیان می شود. بطور کلی ابزار درمانی در طب اسلامی به سه بخش عمده

تقسیم می‌شود:

۱- داروها ۲- رفتارها ۳- دعاها.

رفتارهای درمانی در طب اسلامی

در دستورات دینی پیرامون بهداشت و درمان یک سلسله رفتارهایی وجود دارد که انجام آن موجب پیشگیری از بروز بیماری و در صورت وجود بیماری موجب درمان آن می‌گردد. مهم‌ترین رفتارها در پیشگیری و درمان عبارتند از:

۱- حجامت ۲- قی ۳- تنقیه ۴- مسهل ۵- حمام ۶- نوره ۷- سعوط ۸- مسواک ۹- تعطر ۱۰- امساک و روزه‌داری ۱۱- تغذیه بر اساس رعایت قواعد شایسته ۱۲- تزکیه و دوری از پلیدی‌های اخلاقی، مالی و رفتاری ۱۳- تزویج به تناسب مزاج و توان عمومی ۱۴- تعبد و تقویت روان. بدیهی است که هر کدام از رفتارهای درمانی فوق دارای نظام و قواعد و آئین‌نامه‌های اجرایی و ضوابط تجویز ویژه‌ای هستند که به طور جداگانه باید تألیف و تدوین گردد. و موارد کاربرد آن مشخص شود. (۱۵)

ابزار عمومی و فراگیر برای تشخیص در طب اسلامی طبایع و مزاج‌ها است، مزاج‌شناسی پایه و اساس تشخیص در طب اسلامی است. ابزار فنی و تخصصی برای تشخیص نبض است، نبض خود وسیله‌ای بسیار دقیق برای شناخت چگونگی فعالیت ارگان‌های مختلف بدن است.

صورت نیاز داروها و اعمال بالید (یعنی اعمال با دست مثل حجامت که درمان اصلی سوء مزاج دموی (غلبه خون) است) مزاج بیمار را روبه اعتدال می‌آوریم. مثلاً اگر بیمار مزاجش روبه سردی رفته (یعنی سوء مزاج سرد(بارد) پیدا کرده یا به اصطلاح عمومی " بیمار سردی اش کرده است " غذاها و در صورت نیاز داروهای گرم مزاج به بیماری می‌دهیم و همین‌طور در مورد سایر سوء مزاج‌ها که در بخش سوء مزاج شرح داده شدند. نکته مهم این است که علت بسیاری از بیماری‌ها وجود مشکل در ضروریات شش‌گانه است (که قبلاً توضیح داده شد.) لذا باید به اصلاح اشکالات موجود در آنها (مثلاً تغییر کیفیت هوای تنفسی اصلاح رفتارهای فردی، اصلاح میزان تحرک فرد و...) همزمان با سایر تدابیر درمانی(اصلاح مزاج و...) پرداخت. (۱۴)

بول و براز (ادرار و مدفوع) نیز ابزار دیگری برای تشخیص فنی بیماری است که بیشتر به وسیله طب سنتی به کار گرفته می‌شود ولی در طب اسلامی جایگاه ویژه‌ای ندارد.

انواع درمان در طب سنتی ایران عبارتند از: گیاه درمانی^۱، ماساژ درمانی^۲، شیاتسو^۳، حجامت^۴، بادکش درمانی^۵، زالو درمانی^۶، فصد (رگ زدن)^۷، و آب درمانی یا آبن‌ها^۸

در آداب درمان طب اسلامی

طب اسلامی علاوه بر دستورات درمانی پیشگیرانه در بعد جسم و روان و در کنترل مشکلات فوری و اورژانس نیز دارای طرح‌های درمانی اعجاز‌آمیز است و می‌تواند بیمار را از مشکلات اساسی برهاند.

تعریف بیمار و بیماری در طب اسلامی منحصر به زمان بروز درد نیست و درد یک هشداردهنده و هدایت‌کننده است برای بیمار جهت اقدام به درمان و جهت طبیب برای تشخیص و تعیین مسیر درمان. و از سوی دیگر لفظ مریض فقط به بیمارانی جسمی اطلاق نمی‌شود.

در تعبیر قرآن کریم به تکرار آیاتی از قلوب بیمار می‌خوانیم و این بیماری که همان بیماری روحی و روانی است بسیار عظیم‌تر و سنگین‌تر از بیماری‌های جسمی است.

رهایی از مرگ زودرس در بخشی از رفتارهای طب اسلامی مستتر است و ادعا دارد که اگر چنانچه این رفتار انجام شود دچار مرگ نخواهد شد مانند اینکه حجامت کنید قبل از اینکه غلیان خون شما را بکشد ولی به هر حال زمانی که

1 Phytotherapy
2 Massage therapy
3 Shiatsu
4 Cupping
5 Dry cupping
6 Leech therapy
7 Fasd
8 Hydrotherapy

مرگ فرا رسید و اجل مقدر و پایان زندگی مقرر گردید دیگر حدی برای تلاش طبیب وجود ندارد و تابع و تسلیم امر مقدر است و در این صورت چنانچه راه درمانی وجود داشته باشد آن راه را منحصر به دعا می‌داند؛ همچنانکه امام رضا علیه‌السلام در ادامه‌ی روایتی می‌فرماید: «برای مرگ هم دارویی وجود دارد» و زمانی که سؤال می‌شود داروی مرگ چیست، می‌فرماید: «دعا.»

تفاوتها و تشابهات در منابع طب سنتی و طب اسلامی

منابع مهم در طب سنتی	منابع مهم در طب اسلامی
<p>۱- الحشائش^۹ نوشته پدانیوس دیسکوریدوس و شامل گیاهان خوارکی و دارویی جانوران، کانی‌ها، فرآورده‌های هر کدام از آنها، چگونگی شناسایی زهرها و زهرآلودگی‌های گوناگون و پیشگیری و درمان آنها و موارد ارزشمند دیگری می‌باشد. برای طبقه‌بندی گیاهان، به جای استفاده از شیوه الفبایی، ویژگی و کاربرد آنها منظور گردیده است.</p> <p>۲- الحاوی الکبیر فی الطب نام کتاب معروف محمد زکریای رازی «الحاوی الکبیر فی الطب» می‌باشد. که آنرا «الجامع الحاصر لصناعة الطب» و «الجامع الکبیر» و «الجامع» نیز نامند.</p> <p>۳- قانون نوشته شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا دانشمند نامدار ایرانی که از قرن چهارم هجری تا امروز بیشترین اثر را در آموزش و ارائه خدمات پزشکی بر اساس طب سنتی داشته است بی‌نیاز از هرگونه معرفی است. کتاب قانون بوعلی سینا از پنج قسمت زیرتشکیل شده است:</p> <p>- مسائل کلی پزشکی، مانند: وضع اعضاء بدن و اعصاب، کالبد شناسی، وظایف اندامهای مختلف بدن، بیماریها و علت آنها، مسائل بهداشتی و قواعد کلی درمانها</p> <p>- اقسام دواها که با بیان خاصیت آنها، طبق حروف الفباء تنظیم شده است.</p> <p>- انواع بیماریها و بیماریهایی که برای هر یک از اعضاء بدن به وجود می‌آید.</p> <p>- بیماریهایی مثل تب، غده‌ها، جوشها و مراقبت‌هایی که سبب حفظ زیبایی انسان می‌گردد.</p> <p>- در قسمت پنجم هم مسائل داروسازی به طور مفصل مطرح گردیده است.</p> <p>۴- ذخیره خوارزمشاهی</p>	<p>الف - قرآن مجید و کتب آسمانی و احادیث منقول از پیامبران الهی و ائمه علیهم‌السلام: خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم غسل را شفا بخش عموم مردم معرفی کرده است. این داروی مهم وقتی که وارد حوزه درمان می‌شود می‌تواند از دیدگاه اصول تشخیص طب اسلامی تمامی بیماری‌های سرد را پوشش دهد و این بیماری‌ها امروزه بیش از نیمی از بیماری‌های بشر را شامل می‌شود.</p> <p>گزارشات علمی محققان جهان پیرامون کاربرد غسل در درمان از پنج هزار مقاله گذشته است. و گزارشات علمی پیرامون نمک از بیست میلیون مقاله افزون‌تر است. کاربرد دستورات بهداشتی، امر و نهی قرآن پیرامون مواد غذایی و توجه این کتاب عظیم به برخی از مواد غذایی ویژه مانند انگور، خرما، انجیر، زنجبیل، انار، شیر، گاو زرد، شتر، گوشت پرندگان و... نمودار یک جهت‌گیری پژوهشی بسیار ارزشمند برای محققانی است که به خداوند اعتماد دارند.</p> <p>ب - سیره انبیاء و ائمه علیهم‌السلام</p> <p>ج - الهام و استنباط از قانونمندی‌های حاکم بر نظام طبیعت: عقل‌گریزی هدایت‌گر این جانداران عقلی است که از طرف خداوند رحمان در وجود آنان به ودیعت گذارده شده است و با برنامه‌ریزی او رایانه مغز طراحی گردیده است. این کتاب پرورق، حجیم و با سابقه عظیم تاریخی می‌تواند زمینه بسیار قابل اعتمادی برای سوژه‌ها و پیش‌فرض‌های پژوهشی ما باشد.</p> <p>د - الهام و اشراق: ضمیرهای روشن و قلوب پاک در یک لحظه شربتی از علم می‌نوشند که با هر جرعه آن مشکلی از مسیر انسان برداشته می‌شود. و این موضوع منحصر به علم طب نیست و همه شاخه‌های علوم از آن بهره‌مندند. فراوان نسخه درمانی ویژه وجود دارد که منشاء دستوری آن</p>

⁹ Material medical

زین الدین اسماعیل بن حسن جرجانی پزشک معروف ایران قرن پنجم هجری قمری در سال ۴۳۴ هـ ق در جرجان متولد شد. حکیم جرجانی پایه گذار مکتب ایرانی در دوره اسلامی بود و اولین طبیب ایرانی بود که کتاب ارزشمند خود ذخیره خوارزمشاهی را به زبان فارسی تألیف کرد. حکیم جرجانی علاوه بر کتاب ذخیره خوارزمشاهی چند کتاب دیگر نیز در علم طب تألیف نموده است که مهم ترین این آثار عبارتند از: الطب الملوکی، زبده الطب، یادگار، اغراض الطبییه و المباحث العلائیه، خفی علائی. این پزشک برجسته در سال ۵۲۱ هـ ق در گذشت. (۱۶)

ه - تبلور تجربیات حکما در طول تاریخ و پزشکان و محققان پیرامون بهداشت و درمان:

سنگ بنای طب با اندیشه‌های ادریس پیامبر (علیه السلام) که در تاریخ علم هر مس اول نامیده شده است، گذاشته شد و از آن پس پیامبران همواره این رشته علمی را تغذیه و هدایت میکرده‌اند. می‌گویند زبور داود که حاوی آئین زندگی بشریت بوده است، یکصد و بیست جلد بوده است.

چند امتیاز ویژه طب سنتی

در طب سنتی ما انسان با همه موجودیت خود یک جا و با هم مورد توجه قرار می‌گیرد و علاوه بر این در مورد همان بعد زیست‌شناختی انسان یا بُعد بیولوژیک آن نیز، نکته‌هایی دارد که دانش کلاسیک با آن آشنا نیست. در این باب مسئله بسیار مهم «مزاج» در هویت جسمی روانی انسان مطرح است

در طب سنتی حدود ۸۰ درصد اقدامات پیشگیرانه و مبتنی بر تدابیر حفظ الصحه است. یکی دیگر از امتیازات طب سنتی این است که علاوه بر درمان بیماری‌ها همواره، ارتقای کیفیت زندگی را در دستور کار خود دارد. (۵)

تفاوت های طب رایج با طب اسلامی و سنتی

یکی از تبعات حاکمیت جهان بینی مادی بر طب رایج، نگرش این طب به انسان به عنوان یک ماشین است که از اجزای تشکیل شده و بیماری نیز نتیجه خوب کار نکردن این اجزا می‌باشد. این در حالی است که در طب اسلامی و سنتی کلیت یک انسان که همان مزاج اوست، در نظر گرفته می‌شود. به این معنا که افراد صرف نظر از اینکه چه بیماری‌ای داشته و کدام یک از اعضای بدنشان گرفتار باشد، یک مزاج کلی دارند که باید در امر درمان مورد توجه قرار گیرد.

طب رایج در برخورد با بیماری‌ها از ابتدا به سراغ عضو یا اعضای گرفتار شده می‌رود. یعنی توجه دقیق خود را نه به تمام بدن به عنوان یک کل بلکه به یک عضو خاص معطوف می‌داند و سعی می‌کند آثار آن بیماری را در اجزای هر چه کوچکتر مشخص سازد. این در حالی است که در طب اسلامی و سنتی، بیمار یک انسان کامل در نظر گرفته می‌شود و پزشکان قدیم که حکیم نامیده می‌شدند هستی را منحصر به محسوسات متکثر و مستقل از همدیگر ندانسته و برای کل حیثیتی قائل بودند.

از دیگر تفاوتها کم توجهی طب جدید به ذهن و روان در درمان است. ما معتقدیم که طب رایج روان آدمی را به آن مفهوم وسیعی که در طب اسلامی مدنظر است، در نظر نمی‌گیرد. درست است که طب رایج در بیان علل بسیاری از بیماری‌ها، عواملی چون استرس و اضطراب را مطرح می‌کند ولی شعاع این دایره بسیار محدود و کوچکتر از آن چیزی است که باید باشد.

از دیگر مشکلات بزرگ طب رایج که، واقع ناشی از همان دیدگاه جزء نگر می‌باشد، مبارزه با نشانه‌های بیماری و تلاش در جهت خاموش کردن علائم آن است.

اشکال دیگر بر طب رایج این است که این طب بیماری را همیشه امری نامطلوب و شر و سلامتی را همواره مطلوب و خیر محسوب می‌کند. در طب اسلامی بیماری همیشه امری ناگوار نبوده بلکه در مواردی بسیار مطلوب است. امیدواریم که طب اسلامی و سنتی که پیشینه بسیار روشن‌تر و زیباتری از طب شیمیایی و مدرن دارد روز به روز به صورت علمی و متقن در جامعه ما رشد کرده و فراگیر شود و نشان دهد که اسلام خیلی بهتر از آزمون و خطاهای بشری می‌تواند بشر امروزی را که پر از اسرار است را مداوا و از لحاظ بهداشتی او را مدیریت کند. (۶)

در هر زمان این تلاش‌ها با توجه به چگونگی تبیین جهان خلقت، با نظریه‌ها، نوآوری‌ها و نیز طرز تلقی‌های خاصی همراه شده است. بنابراین، گاهی انسان با ژرف‌نگری به این باور می‌رسد که چه بسیار نظریه‌های به ظاهر مردود یا باور نکردنی را می‌توان بازنگری کرد و از بسیاری اصطلاحات به کار برده شده، بیش از ظاهر کلمات و اصطلاحات به مفهوم نمادین و سمبلیک آنها توجه نمود. در مقوله طب اسلامی و طب سنتی نیز از این گونه موارد به وفور می‌توان یافت.

معمولاً در منابع خارجی کلمه طب اسلامی^{۱۰} را مترادف طب دوران تمدن اسلامی می‌دانند ولی میان طب اسلامی و طب دوران تمدن اسلامی که چهره شاخص امروزی آن همین طب سنتی است، تفاوت جدی وجود دارد.

نتیجه

بر اساس برخی اطلاعات قابل استناد، سابقه پزشکی ایران به حدود ۸۰۰۰ سال قبل برمی‌گردد، ولی از حدود ۲۵۰۰ سال پیش و به خصوص از آغاز دوران تمدن اسلامی با درخشش تعدادی از حکمای بی‌همتا، طب ایرانی - اسلامی از محتوا و تکامل خاصی بهره‌مند شده است. بنابراین به دور از تعصب میهنی، می‌توان با استدلال و ذکر شواهد و با سربلندی بیان کرد که طب سنتی ما گنجینه‌ای استثنایی و در حد خود بی‌نظیر است که با داشتن مبانی فلسفی محکم و با جهان‌بینی الهی و ژرف‌نگری اگرچه بیش از ۱۵۰ سال مورد بی‌مهری قرار گرفته است به خوبی می‌تواند در زمان حاضر قد علم کند و برای رفع کاستی‌ها و مشکلات حل نشده طب کلاسیک، راهکار ارائه کند.

طب سنتی اساساً بر استفاده از طبیعت استوار است و برای تبدیل مواد طبیعی (اعم از معدنی و نباتی) به دارو، غالباً دخل و تصرف زیادی در آنها به عمل نمی‌آورد. و باید بگوییم که استفاده از طبیعت امری است که اساساً و اصولاً موجه است و هیچ کس نمی‌تواند به طور کلی ادعا کند که طب قدیم صرفاً به این دلیل که بر طبیعت مبتنی است باطل است. از آنجا که بدن انسان یک موجود طبیعی است و با طبیعت سنخیت و سازگاری دارد، تأثیر مواد طبیعی بر آن، منطقی و معقول به نظر می‌رسد. پس بنیاد طب سنتی، امری نیست که ذاتاً و به خودی خود مورد اعتراض و انکار باشد؛ یعنی طب سنتی ذاتاً امری ممکن است.

برای اثبات موجودیت طب سنتی، راههای متعددی وجود دارد: یک راه این است که در خود طبیعت جستجو کنیم؛ بدیهی است که جانوران هنگام بیماری به سراغ خود طبیعت می‌روند، و معمولاً به هدایت غریزی می‌دانند که کدام بیماری را با کدام گیاه و دانه باید علاج کرد.

از این لحاظ و از بسیاری جنبه‌های دیگر، حیوانات می‌توانند سرمشق خوبی برای انسان باشند. البته این به آن معنا نیست که منکر ارزش و جایگاه والای علوم پزشکی جدید باشیم. طب سنتی تجربه آسان، مؤثر، موفق، کم هزینه، پرفایده و کم ضرری دارد ولو اینکه در کتاب‌های مرجع پزشکی جدید چیزی راجع به آن وجود نداشته باشد، امکان استفاده از آن را پذیرفت. البته تحقیق و تجربه در این گونه موارد نه تنها واپس‌گرایی و عقب‌ماندگی نیست بلکه دانش روز را نیز از این اطلاعات سودمند بهره‌مند می‌سازد.

در طب سنتی آهنگان جنبش درمان با گیاهان دارویی می‌گفتند سلامتی انسان بستگی به تعادل اخلاط چهارگانه دارد. طب سنتی، رابطه مستقیم با نحوه تغذیه سنتی ایرانیان داشته است و با استفاده از تجربه حاصل از دوران‌های طولانی و با وجود امکانات کشاورزی این آب و خاک و شرایط اقلیمی آن، برنامه‌ای از نحوه تغذیه به وجود آورده است و با دستوراتی که اسلام در رابطه با غذا گرفته شده، آمیخته شده است و به همین طور در امر نظافت و پاره‌ای از آداب زندگی که اثر مستقیم بهداشتی و پزشکی دارد.

¹⁰ Islamie Medicine

یکی از مبانی و اصول مهم طب سنتی ایرانی این است که بدن هر یک از انسان‌ها دارای طبع و خلط خاص خود است و وظیفه طبیب این است که با شناخت این طبع با تدابیر خاص، سلامتی او را به بهترین و معتدل‌ترین حالت حفظ نماید، تا شخص از نظر جسمی و روحی در بهترین شرایط باشد و هنگام بیماری مهمترین وظیفه درمانگر این است که مزاج بدن و عضو درگیر را به حالت طبیعی و اصلی خویش برگرداند. در ضمن افراد نیز با این آگاهی‌های نسبی سهم بسزایی را در پیشگیری و حفظ سلامت و تندرستی خود ایفا می‌نمایند.

نظام طب اسلامی بر مبنای دو روش تشخیص فراگیر و سه رکن درمانی استوار است و مزاج شناسی و نبض شناسی جزء ابزار تشخیص است که از میان این دو مزاج شناسی یک روش جامع، فراگیر، دقیق و دارای ابلیت فهم عمومی است.

داروها، رفتارها و دعاها نیز جزء ارکان درمانی طب اسلامی اند. داروهای طب اسلامی و طب سنتی از سه منبع گیاهی، حیوانی و معدنی و تامین می‌گردد. آب، نمک، ید، طلا، آب دریا، جزء داروهای معدنی، شیر و لبنیات، عسل، و سایر ترشحات بدن حیوانات داروی حیوانی و مجموعه ی بزرگ از گیاهان، داروی گیاهی به حساب می‌آید. داروها دارای رفرنس طب اسلامی در منابع معتبر باشند. (۸)

به طور ساده و اجمالی، طب اسلامی، نظام طبّی است که آموزه‌های اسلامی ما را به آن رهنمون می‌شود. در این نگاه، آیات و روایات مرتبط با پزشکی، چارچوب و استخوان‌بندی این نظام را می‌سازد. علاوه بر این، از مجموعه دستاوردهای گذشته بشر (از جمله طب سنتی ما و یافته‌های حکمای دیگر) و نیز از آخرین دستاوردهای امروز و فردای دانش پیشرو استفاده می‌شود. البته این بهره‌گیری با به‌گزینی و هماهنگ‌سازی با ساختار اندیشه تدوین نظام طب اسلامی همراه است و هر چه نتواند در این ساختار اندیشه که بر اساس امر و نهی الهی شکل گرفته پذیرفته شود، حذف می‌شود. مواد حرام (مگر در حال اضطرار بدون جایگزین) جایی در طب اسلامی ندارند. رفتار صاحبان حرف پزشکی با بیماران، باید رفتاری مورد قبول اخلاق و فقه اسلامی باشد، حقوق بیمار چه در خلوت و چه در جلوت باید به بهترین وجه مراعات شود.

اسلام به پیروان خود می‌آموزد که در همه جا از جمله در عرصه پزشکی با رعایت همان چارچوب اندیشه اسلامی، از علوم و تجارب دیگران استفاده کنند، چنانکه در این حدیث شریف نبوی (ص) می‌خوانیم: «أعلم الناس من جمع علم الناس الی علمه؛ عالم‌ترین مردم کسی است که علم [دیگر] مردم را به علم خود بیفزاید.» که کلمه «الی» تأکید می‌کند که صرفاً جمع‌آوری دانش دیگران کافی نیست بلکه باید از میان آنها با رعایت ساختار اندیشه اسلامی انتخاب مناسب صورت گیرد.

" در ایران قدیم وضعیت طب پیشرفته تر از آشور بود. حتی به جرأت می‌توان پا را فراتر نهاده گفت که ایرانیان اصول آن چیزی را که طب یونانی نامیده شد به یونانیان تعلیم داده اند. حتی خود یونانی ها هم فرضیه ی طبایع چهارگانه خود را یک فرضیه ی بیگانه می‌شناختند و به رسم آن زمان آن را ایرانی می‌نامیدند. " همچنین دکتر "نجم آبادی" در کتاب "تاریخ طب در ایران" در این باره نوشته است: "مکتب طبی زرتشت خیلی پیش تر از مکاتب طبی یونان، در عالم وجود داشته است." (۷)

سخن این است که با شناختن و شناساندن طب سنتی می‌توان بسیاری از گره‌هایی را که هم‌اکنون به دندان طب جدید باز می‌شود با دست باز کرد. شاید مهمترین اعتراضی که مخالفان طب سنتی از لحاظ نظری بر این طب وارد می‌کنند، این است که می‌گویند «طب سنتی علمی نیست» و منظور آنان این است که در طب سنتی مبانی و معانی وجود دارد که درک آنها مطابق روشهای علم جدید غربی ممکن.

نتیجه اینکه در طب باید به نوعی «پراگماتیسم» قائل بود و ملاک اعتبار را در عمل جستجو کرد نه در نظر شاید بی‌مناسبت نباشد.

خلاصه اینکه در طب قدیم برای کل بدن، شأن مستقلی قائلند و اختلال اجزاء را ناشی از برهم خوردن تعادل آن حقیقت کلی می‌دانند، و سلامت انسان را نیز معلول تسلط در حال سلامت آن حیثیت واحد مستقل بر بدن می‌دانند، و نظم حاکم بر اعضاء گوناگون بدن را، از لحاظ انجام وظیفه ای که بر عهده ی هر یک است، نیز معلول همین امر، و کم و کیف رشد اندامها را نیز تابع همین نفس مستقل واحد می‌شمارند.

بدون شک نتایج توسعه طب اسلامی و طب سنتی بدلیل نرخ پایین داروهای گیاهی، فقدان عوارض جانبی شیوه های درمانی، نیاز کمتر به دستگاه ها و ابزارهای آزمایشگاهی و تصویر برداری، کاهش روش های جراحی و... سبب کاهش نرخ درمان در تمام سیستم های بهداشتی درمانی کشور خواهد شد و این کاهش هزینه های جاری می تواند خود یک عامل تشویق مهم یک منبع مالی بسیار خوب برای تحقیق و توسعه طب اسلامی باشد.

منابع

۱. مفهوم و ویژگی های طب اسلامی، ۱۳۸۷، اولین همایش کشوری میراث پزشکی اسلام و ایران، از نویسندگان همین مقاله، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۹۹۹. القانون فی الطب. Chicago: Great Books of the Islamic world. ۷۱۰ ص.
۳. چغمینی، محمود بن محمد. ۱۳۸۸. قانونچه در طب. میر، محمدتقی. تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران. ۲۴۰ ص.
۴. جرجانی، سید اسماعیل. اغراض الطبیة و مباحث العلایة
۵. دکتر اصفهانی، محمد مهدی. فروردین ۱۳۸۹. بازگشت به آغوش طب طبیعی. سال چهاردهم، ماهنامه موعود شماره ۱۱۰، ص ۵۶
۶. روزنامه رسالت، مورخه ۱۳۸۷/۱۲/۱۷
۷. هفته نامه - پنجره - ۱۳۸۷ - شماره صفر
۸. دکتر محمد عزیزخانی عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات حجامت ایران مرداد ۸۴
<http://www.iranianmedicine.ir>
۹. سید اسماعیل جرجانی، حسین. ۱۳۸۴. ذخیره خوارزمشاهی. دانش پژوه، محمدتقی. افشار، ایرج. تهران: المعی.
۱۰. رازی، الفصول
۱۱. ابوالفرج علی بن الحسین بن هندو. ۱۳۶۸. مفتاح الطب و منهای الطلاب) کلید دانش پزشکی و برنامه دانشجویان آن محقق، مهدی. دانش پژوه، محمدتقی. تهران: دانشگاه تهران. ۳۹۵ ص.
۱۲. نفیس ابن عوض کرمانی، شرح موجز
۱۳. ابوالحبیب، سید علی. ۱۳۸۶. شناخت طبایع. تهران: راه کمال.
۱۴. <http://fa.parsiteb.com>
۱۵. <http://fa.parsiteb.com> <http://noorportal.net->
۱۶. <http://itme.behdasht.gov.ir>